

تفسیر تکاملی معاهدات در حقوق بین‌الملل در پرتو قضیه اختلاف در خصوص کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن (کاستاریکا علیه نیکاراگوئه)

محسن محبی *

وحید رضادوست **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۰

[...] *جامه کهنه‌ست ز بزاز نو*^۱

چکیده

یکی از بغرنج‌ترین مسائل حقوق، ایجاد تعادل میان ثبات و گذر زمان است که یکی، نماد امنیت حقوقی و دیگری، نماد هماهنگی با مقتضیات روز و واقعیت‌های اجتماعی است. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین مسائل حقوق بین‌الملل معاهدات، یعنی تفسیر تکاملی معاهدات بین‌المللی، با این موضوع مستقیماً مرتبط است؛ تفسیری که از یک‌سو، قصد و اراده طرفین معاهده را مدنظر قرار می‌دهد و از سوی دیگر، واقع‌بینانه، بر آن است که این قصد و اراده را با تغییرات اجتماعی حادث‌شده از زمان انعقاد پیمان، هماهنگ کند. قضیه اختلاف در خصوص کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن، یکی از آخرین رویه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری است که تفسیر تکاملی در آن، بار دیگر به بحث گذاشته شد. این امر، واکنش حقوق‌دانان و محاکم بین‌المللی را در پی داشته است. نوشتار حاضر می‌کوشد مفهوم و جایگاه تفسیر تکاملی را در پرتو قضیه مذکور تحلیل کند.

واژگان کلیدی

تفسیر معاهدات بین‌المللی، تفسیر تکاملی، تفسیر ایستا، حقوق بین‌زمانی، دیوان بین‌المللی دادگستری

Sd.mohebi@gmail.com

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

** نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Vahidrezadoost@yahoo.com

۱. مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی، *غزلیات شمس تبریز*، با مقدمه، گزینش و تفسیر محمدرضا شفیعی‌کدکنی، سخن، ۱۳۸۸،

ص ۱۱۲۴.

مقدمه

بی‌شک، یکی از مهم‌ترین وسایل تنظیم روابط دولت‌ها در حقوق بین‌الملل معاصر، معاهدات بین‌المللی است، گرچه قواعد و منابع حقوق بین‌الملل، محدود به این مورد نیست و شامل موارد دیگری نیز می‌شود که مهم‌ترین آن در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری^۲ شناسایی شده است. در عین حال، معاهدات به دلیل ثبات و وضوحی که در مقام اثبات تعهدات دارد، در حقوق بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این معاهدات می‌تواند به نحوی روشن، روابط دولت‌ها و احیاناً سایر تابعان حقوق بین‌الملل را سامان بخشد زیرا این اسناد بین‌المللی، نماد اراده تابعان مذکور است. نکته‌ای که در این موضوع نباید از آن غفلت کرد این است که گرچه معاهدات، نشان‌دهنده قصد مشترک طرفین است، «تعهدات یا گزاره‌هایی زمان‌مند^۳ است که عموماً، منعکس‌کننده چشم‌انداز زمان انعقاد باشد»^۴.

در توضیح عبارات فوق، لازم به ذکر است که حقوق بین‌الملل نمی‌تواند با بی‌توجهی به حرکت زندگی، بیش از حد، سخت و صلب باشد^۵ و به گفته قاضی جساب^۶ در قضیه آفریقایی جنوب غربی:

حقوق، هیچ‌گاه نمی‌تواند بی‌توجه به تغییرات زندگی، وضعیت‌ها و استانداردهای اجتماعی باشد و معاهدات نمی‌تواند ماهیت تغییرناپذیر و ابدی داشته باشد.^۷

بنابراین می‌توان گفت تقابل بین ثبات و تغییر و سازگار کردن مقوله‌های ابدیت و تغییر^۸، یکی از مسائل بنیادین علم حقوق است و حقوق معاهدات^۹ نیز از این امر مستثنا نیست. چالشی که در این خصوص وجود دارد این است که چگونه می‌توان تأثیر گذر زمان را بر تفسیر یک پیمان خاص به‌منظور سازگاری مقررات پیمان مذکور با موضوعات مستحدثه، محاسبه و تابع ملاکی عقل‌پسند قرار داد. در این خصوص، تفسیر تکاملی^{۱۰} یا پویا^{۱۱} از پیمان‌ها، شایسته مذاقه^{۱۲} بیش از

2. Article 38 of International Court of Justice: The Court, whose function is to decide in accordance with International Law such disputes as are submitted to it, shall apply: a. *International Conventions*, whether general or particular, establishing rules expressly recognized by the contesting states... (Emphasis added).

3. Time-bound

4. Crawford, James, *Chance, Order, Change: The Course of International Law*, RCADI, 2013, p. 110.

5. *Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia)*, Judgment of 25 September 1997, at 124, para. 16 (Judge Bedjaoui, Separate Opinion).

6. Judge Jessup

7. *South West Africa (Ethiopia v. South Africa; Liberia v. South Africa)*, Second Phase, Judgment of 18 July 1966, at 439 (Judge Jessup, Dissenting Opinion).

۸. اقبال لاهوری، محمد؛ *احیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه: احمد آرام، رسالت قلم، ۱۳۴۵، ص ۱۶۹.

۹. برای مطالعه بیشتر در مورد تأثیر زمان بر معاهدات، ن.ک:

Nascimento Silva, Geraldo Eulalio, *Le facteur temps et les traités*, RCADI, 1977.

10. Evolutive Interpretation (En.) = Interprétation Evolutive (Fr.)

11. Dynamic Interpretation (En.) = Interprétation Dynamique (Fr.)

پیش است.^{۱۲} به عبارت دیگر، تفسیر تکاملی در مقام جمع بین دو امر ظاهراً متضاد است: نخست، حفظ کارایی یک پیمان در مواجهه با وضعیت‌های جدید، و دوم، احترام به قصد طرفین که در زمان انعقاد پیمان، اظهار شده است. به عبارت دیگر، مجرای اعمال تفسیر تکاملی، جایی است که «طرفین معاهده با استفاده از یک مفهوم ژنریک [نوعی] و متغیر با زمان یا یک تعهد کلی و دارای محتوای سیال در معاهده، قصد خود را مبنی بر تکامل تدریجی و سیال بودن محتوای تعهدات معاهده‌ای خویش ابراز نموده‌اند».^{۱۳} بدین ترتیب، اعمال تفسیر تکاملی در تحلیل نهایی، متابعت از اراده طرفین است.^{۱۴}

بنابراین می‌توان هم‌صدا با مطالعات سال‌های اخیر کمیسیون حقوق بین‌الملل^{۱۵} اعلام کرد که هیچ رابطه حقوقی، بی‌تأثیر از عنصر زمان نیست.^{۱۶} این دغدغه، بالاخره در سال ۲۰۰۸ در این کمیسیون، تحت عنوان *معاهدات در زمان*، به بحث گذاشته شد؛^{۱۷} بحثی که به‌روشنی، حقوق بین‌الملل را به سوی مسئله تفسیر می‌کشاند.

باید متذکر شد که عمل تفسیر، تا حد زیادی به هنر نزدیک است تا به علم محض.^{۱۸} به همین دلیل، تفسیر، همیشه با نوعی هراس و عدم قطعیت همراه است. به‌علاوه، این عمل، زمانی حالتی شکننده و سرنوشت‌سازتر می‌یابد که وصف تکاملی پیدا کند و این نکته‌ای است که برخی را به این وادی کشانده است که هیچ عملی، بیش از تفسیر تکاملی، مهیب و پیچیده نیست.^{۱۹} دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای گوناگونی به بحث تفسیر تکاملی استناد و آن را اعمال کرده است که یکی از آخرین نمونه‌های آن، قضیه *اختلاف در خصوص کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن (کاستاریکا علیه نیکاراگوئه)* است. شایان ذکر است که این رأی، فارغ از بحث

۱۲. برای مطالعه بیشتر درمورد تفسیر پویا یا تکاملی از معاهدات، ن.ک: Fitzmaurice, Malgosia, "Dynamic (Evolutive) Interpretation of Treaties", 2008, *Hague Yearbook of International Law*.

۱۳. سیفی، سیدجمال؛ «تفسیر معاهده در زمان و قاعده حقوق میان‌دوره‌ای»، *جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم*؛ مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، شهر دانش، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰.

۱۴. همان.

15. International Law Commission (ILC)

16. Koskenniemi, Martti, *Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law*, Report of the Study Group, Oxford University Press of the International Law Commission, UN Doc. A/CN.4/L.682, 2006, at 241.

17. Report of the International Law Commission, UN Doc. A/63/10, 2008, Annex A: Treaties over Time, pp. 365-389.

18. Waldock, Humphrey, *Third Report on the Law of Treaties*, 1964 YILC, vol. II, p. 54.

19. Fitzmaurice, Malgosia, "Dynamic (Evolutive) Interpretation of Treaties", 2008, *Hague Yearbook of International Law*, p. 102. In: Dawidowicz, Martin, "The Effect of the Passage of Time on the Interpretation of Treaties: Some Reflections on Costa Rica v. Nicaragua", *Leiden Journal of International Law*, vol. 24, 2011, p. 213.

تفسیر تکاملی، از جهت دیگری نیز حائز اهمیت است و آن این است که این رأی، نخستین رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص حقوق رودخانه‌های بین‌المللی است.^{۲۰} که بررسی آن، نیازمند مجالی دیگر است.

بدین ترتیب، نوشتار حاضر، نخست، ضرورت و مفهوم تفسیر به‌طور عام و تفسیر تکاملی به‌طور خاص را تحلیل می‌کند (۱) و در ادامه، نقش و جایگاه آن را در پرتو قضیه/اختلاف در خصوص کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن (کاستاریکا علیه نیکاراگوئه) به بحث خواهد گذاشت (۲).

۱. ضرورت و مفهوم امر تفسیر و جایگاه تفسیر تکاملی در حقوق بین‌الملل

ممکن است اساساً این بحث مطرح شود که اگر متن معاهده، از صراحت و روشنی کافی برخوردار باشد، چه نیازی به تفسیر تکاملی و اساساً امر تفسیر است؟ در این خصوص، برخی^{۲۱} با تفکیک بین «اعمال» و «تفسیر» ادعا کرده‌اند زمانی که معنای عبارات معاهده، روشن و واضح است، معاهده، «اعمال» می‌شود و نیازی به تفسیر نیست و بنابراین، تفسیر، فرایند ثانوی است که صرفاً زمانی کاربرد دارد که اصطلاحات معاهده، معنای صحیحی نمی‌دهد یا بین چند معنا مردد است. این درحالی است که اساساً اعمال معاهده بدون تفسیر، غیرممکن است زیرا «تفسیر»، فرایند تعیین مفهوم قواعد حقوقی یا نتیجه آن است و دیوان بین‌المللی دادگستری به‌موجب ماده ۳۶ اساسنامه خود، برای رسیدگی به اختلافات میان دولت‌ها، ناگزیر از تفسیر مقررات حقوق بین‌الملل است.^{۲۲} همچنین برای اعمال معاهده، ابتدا باید معنای اصطلاحات را فهمید و سپس نتیجه را بر موارد خاص اعمال کرد^{۲۳} و بنابراین می‌توان گفت اساساً فهم معاهده، جز از طریق تفسیر آن، میسر نمی‌شود و کسی که معاهده (یا هر قاعده حقوقی) را اجرا می‌کند، همو در حال تفسیر آن نیز هست.

در خصوص تبیین تفسیر تکاملی نیز می‌توان گفت، گاهی معنای اصطلاحات در زمان انعقاد معاهده، سخت و صلب نیست زیرا ممکن است معنای این اصطلاحات، در طول زمان، استحاله

۲۰. عبدی، ایوب؛ «رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه رودخانه سن‌خون»، *سالنامه حقوق بین‌الملل و تطبیقی*، شماره ۵، ۱۳۸۸، چاپخانه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱، ص ۳۶۶.

۲۱. McNair, Arnold, *The Law of Treaties*, Oxford University Press, 2nd ed, 1961, p. 365.

۲۲. فلسفی، هدایت‌الله؛ «ماجرای تفسیر در دیوان بین‌المللی دادگستری»، *سالنامه حقوق بین‌الملل و تطبیقی*، شماره پنجم، ۱۳۸۸، چاپخانه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱، ص ۴۷.

۲۳. Gardiner, Richard, *Treaty Interpretation*, Paperback Edition, Oxford University Press, 2011, pp. 8-27.

یابد^{۲۴} و در این موقع است که بحث از این نوع تفسیر (که عموماً تفسیر تکاملی^{۲۵} خوانده می‌شود) به میان می‌آید؛ تفسیری که مترادف با تفسیر پویا^{۲۶} و تفسیر پیشرفته^{۲۷} است و در دیوان اروپایی حقوق بشر^{۲۸} نیز تحت عنوان آموزه «سند زنده»^{۲۹} از آن یاد شده است.^{۳۰} درمقابل این نوع تفسیر، تفسیر/ایستا^{۳۱} قرار دارد که بر اساس آن، اصطلاحات در طول زمان تغییر معنا نمی‌دهند^{۳۲} و باید آن‌ها را در همان معنای نخستین خود به کار برد.

بنابراین، فارغ از این اصل کلی که تمام متون، نیازمند تفسیر است، تفسیر تکاملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. معاهدات در زمان انعقاد، به ثبات تمایل دارند و گرچه باب اصلاح معاهدات، همیشه مفتوح است، معمولاً این کار در عمل چندان سهل نمی‌نماید. درعین‌حال، این واقعیت که معاهدات، همیشه در وضعیت‌های در حال تغییر اعمال می‌شوند، امری انکارناپذیر است، چرا که واقعیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، فناوری و... در حال تغییر و تحول است. در اکثر موارد، اگر حقوق بخواهد مؤثر واقع شود، باید از انعطاف ویژه‌ای برخوردار باشد. درمقابل، انعطاف مذکور، دائماً باید نسبت به ثبات، در تعادل ویژه‌ای قرار گیرد؛ امری که یکی از ابعاد مهم حاکمیت قانون^{۳۳} است.

لازم به ذکر است که موضوع تفسیر تکاملی، محصور در نظام حقوق بین‌الملل نیست و این امر در حقوق داخلی نیز قابل طرح است، اما در این خصوص، تفاوتی نیز وجود دارد و آن این است که در نظام‌های داخلی، قوه قانونگذاری در زمان تنظیم پیش‌نویس و اصلاح معاهدات، از دولت‌ها انعطاف‌پذیرتر و پاسخ‌گوتر است و از آنجایی که یکی از کارکردهای تفسیر تکاملی، کاستن از نیاز وضع قاعده جدید به‌منظور تطابق با وضعیت‌های جدید است، این نوع تفسیر در عرصه

24. Dawidowicz, Martin, *op. cit.*, p. 206.

25. Dupuy, Pierre-Marie, "Evolutionary Interpretation of Treaties: Beyond Memory and Prophecy", in Enzo Cannizzaro (ed), *The Law of Treaties beyond the Vienna Convention*, Oxford University Press, 2011, p. 123.

26. Fitzmaurice, Malgosia, "The Practical Working of the Law of Treaties", in Evans, Malcom, *International Law*, 3rd ed, Oxford University Press, 2010, p. 188.

27. Progressive Interpretation. Tavernier, Paul, "Relevance of the Inter-temporal Law", in James Crawford, Alain Pellet and Simon Olleson (eds), *The Law of International Responsibility*, Oxford University Press, 2010, p. 400.

28. European Court of Human Rights (ECtHR) (En.) = Cour européenne des droits de l'homme (CEDH) (Fr.)

29. 'Living Instrument' Doctrine

30. Letsas, George, *A Theory of Interpretation of the European Convention on Human Rights*, Oxford University Press, 2007, p. 65.

31. Static Interpretation (En.) = Interprétation Statique (Fr.)

32. Helmersen, Sondre Torp, "Evolutive Treaty Interpretation Legality, Semantics and Distinctions", *European Journal of Legal Studies*, vol. 6, Issue 1, Spring/Summer 2013, p. 129.

33. Rule of Law (En.) = État de droit (Fr.)

بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد.^{۳۴}

از سوی دیگر، در مقابل تفسیر تکاملی، برخی از حقوق‌دانان، از اعمال اصل عصری بودن تفسیر معاهدات،^{۳۵} دفاع می‌کنند.^{۳۶} بر اساس این اصل، اصطلاحات معاهده باید بر اساس معانی که متعاقبین در روز انعقاد، مدنظر داشته‌اند تفسیر شود.^{۳۷} در این خصوص، برخی گفته‌اند که اصل عصری بودن، به نوعی، اعمال آموزه حقوق بین‌زمانی^{۳۸} است؛^{۳۹} امری که قاضی هوپر،^{۴۰} در قضیه جزیره پالماس^{۴۱} آن را چارچوب‌بندی کرده است:

در مورد مسئله برتری سیستم‌های حقوقی گوناگون در دوره‌های زمانی متوالی که باید بر یک مورد خاص اعمال شود (که در اصطلاح، حقوق بین‌زمانی خوانده می‌شود)، باید بین ایجاد حق^{۴۲} و وجود حق^{۴۳} تفکیک کرد. اصل مشابهی که عمل موجد حق را موضوع قانون در حال اجرا در زمان به‌وجود آمدن آن حق می‌کند، مستلزم این است که وجود آن حق و به عبارت دیگر، نماد مستمر آن، شرایط لازم تکامل قانون را دنبال کند.^{۴۴}

با این بیان، به نظر می‌رسد که قاضی هوپر در آموزه حقوق بین‌زمانی، عنصری تکاملی را مطمح‌نظر قرار داده است.^{۴۵} بنابراین به نظر می‌رسد این آموزه بر مبنای نگرش خاص به حقوق

34. Helmersen, Sondre Torp, *op. cit.*, p. 130.

35. Principle of Contemporaneity to the Interpretation of Treaties (En.) = Principe de la contemporanéité de l'interprétation des traités (Fr.)

۳۶. امری که در قضیه مورد بحث، مورد ادعای نیکاراگوئه نیز بود که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد. ن.ک:

Counter-Memorial of Nicaragua, vol. I, 29 May 2007, para. 4.3.1.1.

37. Fitzmaurice, Gerald, *The Law and Procedure of the International Court of Justice*, Martinus Nijhoff, 1993, p. 346 and 359.

38. Doctrine of Inter-temporal Law (En.) = Doctrine du droit intertemporel (Fr.)

39. *Ibid.*, pp. 359-361.

برای مطالعه بیشتر در خصوص آموزه حقوق بین‌زمانی، ن.ک: سیفی؛ همان، صص ۱۴۱-۱۳۱؛

Elias, Taslim, "The Doctrine of Intertemporal Law", *AJIL*, 1980.

و برای مطالعه بیشتر در خصوص اصل عصری بودن، ن.ک:

Report of the International Law Commission, UN Doc. A/60/10 (2005), 220, para. 479; Brownlie, Ian, *Principles of Public International Law*, 7th Edition, Oxford University Press, 2008, p. 633.

40. Judge Huber

41. *Island of Palmas Case (Netherlands v. U.S.A.)*, United Nations, RIAA, pp. 829-871.

42. Creation of Rights

43. Existence of Rights

44. *Island of Palmas Case*, p. 845.

۴۵. لازم به ذکر است که بر تفکیک هوپر میان ایجاد حق و استمرار وجود حق، ایراداتی وارد شده است، از جمله اینکه تفکیک مذکور، خالی از ابهام و اشکال نیست و حتی تصنعی به نظر می‌رسد. به‌علاوه این تفکیک می‌تواند عملاً حاکمیت کامل حقوق بین‌زمانی را تضعیف کرده، قانون را به گذشته تسری داده و به حقوق مکتسبه بی‌توجهی کند. ن.ک: سیفی؛ همان، ص ۱۳۳.

بین‌الملل به‌عنوان نظام حقوقی پویا شکل گرفته است.^{۴۶} البته به نظر می‌رسد تفسیر تکاملی و آموزهٔ بین‌زمانی بودن،^{۴۷} علی‌رغم داشتن شباهت‌های فراوان، دو امر متمایز از یکدیگر هستند و هر دو، زیرمجموعه حقوق بین‌زمانی^{۴۸} قرار می‌گیرند.^{۴۹} به‌هرحال، بدون تردید، حلقه‌های به‌هم‌پیوسته بین آموزه حقوق بین‌زمانی و تفسیر تکاملی معاهدات،^{۵۰} نیازمند ملاحظات و توجهات بیشتری است^{۵۱} که پرداختن به آن از مجال بحث حاضر خارج است.

دیوان بین‌المللی دادگستری، برای نخستین بار در رأی مشورتی *نامیبیا*^{۵۲} و سپس در قضیه *فلات قاره دریایی/اژه*^{۵۳} از تفسیر تکاملی استفاده کرد. نمونه جدیدتر این امر، در رأی دیوان در قضیه *اختلاف در خصوص کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن*^{۵۴} دیده می‌شود که در سال ۲۰۰۹ میلادی صادر شد.

46. Elias, Taslim, *op. cit.*, p. 291.

47. Doctrine of Intertemporality (En.) = Doctrine de intertemporalité (Fr.)

48. Intertemporal Law (En.) = Droit intertemporel (Fr.)

49. برای مطالعه بیشتر در این مورد، ن.ک:

Helmersen, Sondre Torp, *op. cit.*, pp. 144-146.

البته برخی نیز آموزه مذکور را با حقوق بین‌زمانی یکسان پنداشته‌اند. ن.ک:

Gardiner, Richard, *op. cit.*, p. 25.

50. لازم به ذکر است، گرچه کمیسیون حقوق بین‌الملل، اصل عصری بودن را به‌عنوان قاعده عام تفسیر پذیرفت، نهایتاً در عهدنامه حقوق معاهدات، درج نشد. با این‌همه، تحقیقات گزارشگر ویژه این امر (Waldock)، مبنی بر اینکه این اصل بر پایه خرد جمعی (Common Sense) و حسن‌نیت (Good Faith) شکل گرفته است و اشاره وی به این امر که معنای اصلاحات، باید بر اساس سیاق پیمان و اهداف و مقاصد آن تعیین شود (Waldock, Humphrey, *Sixth Report on the Law of Treaties*, 1966 YILC, vol. II, p. 96). به‌طور وسیعی مورد پذیرش کمیسیون و دولت‌ها واقع شده است.

51. برای مطالعه بیشتر در این مورد، ن.ک:

Fitzmaurice, Malgosa, *op. cit.*, pp. 102-113.

52. *Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970)*, Advisory Opinion of 21 June 1971.

در این رأی، دیوان، گرچه به این نکته تأکید کرد که «ضرورت نخستین در امر تفسیر سند، بر اساس قصد طرفین در زمان انعقاد آن صورت می‌گیرد» (Ibid., para. 53)، این امر را شناسایی کرد که برخی مفاهیم که در ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل آمده است، مانند مفهوم *رسالت مقدس تمدن* (Sacred Trust of Civilization (En.) = Mission sacrée de civilisation (Fr.))، «مفاهیمی ایستا (Static (En.) = statique (Fr.)) نیست، بلکه تکاملی است» (Ibid.).

53. *Aegean Sea Continental Shelf case*, Judgment, ICJ Reports 1978.

در این قضیه، دیوان، عبارت «وضعیت سرزمینی» (Territorial Status (En.) = Statut territorial (Fr.)) به‌کاربرده شده در شرط (Reservation (En. & Fr.)) یونان بر قانون عام (General Act (En.) = Acte général (Fr.)) سال ۱۹۲۸ میلادی را با روشی تکاملی، به علت ماهیت نوعی مفهوم وضعیت سرزمینی و ادامه‌دار بودن قانون مذکور، تفسیر کرد و استثنای «وضعیت سرزمینی» یونان را به فلات قاره نیز تسری داد (ICJ Reports 1978, Ibid, para. 77). برای مطالعه بیشتر در مورد تفسیر تکاملی شرط یونان در قضیه فلات اژه، ن.ک:

Elias, Taslim, "The Doctrine of Intertemporal Law", *AJIL*, 1980, pp. 296- 302.

54. *Dispute Regarding Navigational and Related Rights (Costa Rica v. Nicaragua)*, Judgment, ICJ Reports 2009, pp. 213- 272.

۲. نقش و جایگاه تفسیر تکاملی در قضیه اختلاف در خصوص کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن

هدف از این قسمت، نشان دادن روش دیوان بین‌المللی دادگستری در به‌کاربردن تفسیر تکاملی در یکی از آخرین رویه‌های خود در این خصوص، یعنی رأی دیوان در قضیه اختلاف در خصوص کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن است. برای نیل به این هدف، ابتدائاً تا آنجا که به بحث حاضر مربوط می‌شود، به شرح واقعه پرداخته می‌شود و در ادامه، کار دیوان در این خصوص تحلیل خواهد شد.

۲-۱. شرح واقعه

این قضیه، شرح اختلافی است که به کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن نسبت به کاستاریکا در رودخانه سان‌خوان^{۵۵} مربوط می‌شود. این رودخانه، حدود ۲۰۵ کیلومتر از دریاچه نیکاراگوئه به سمت دریای کارائیب را می‌پیماید و بخشی از مرز بین کاستاریکا و نیکاراگوئه در سمت راست ساحل رودخانه سان‌خوان را دربرمی‌گیرد.^{۵۶} بخش مورد نزاع در این اختلاف، قسمتی از رودخانه مذکور است که از یک نقطه، به طول سه مایل انگلیسی، از پایین شهری در نیکاراگوئه (کاستیلو ویجو)^{۵۷} تا دهانه رودخانه سان‌خوان در دریای کارائیب را می‌پیماید.^{۵۸}

در طول تاریخ، کاستاریکا و نیکاراگوئه، هر دو تحت سلطه اسپانیا بودند که در سال ۱۸۲۱ میلادی توانستند استقلال خود را بازیابند.^{۵۹} پس از جنگ بین کاستاریکا و نیکاراگوئه، دو کشور، پس از چند پیمان بی‌سرانجام،^{۶۰} پیمانی را با عنوان پیمان حدود^{۶۱} در ۲۶ آوریل سال ۱۸۵۸ میلادی منعقد کردند. پیمان ۱۸۵۸، مسیر مرز بین کاستاریکا و نیکاراگوئه را از اقیانوس آرام تا دریای کارائیب معین کرد و علاوه بر پذیرش حاکمیت نیکاراگوئه بر آب‌های رودخانه سان‌خوان، در ماده ۶ پیمان، حق کشتی‌رانی کاستاریکا «با اهداف بازرگانی»^{۶۲} در قسمت تحتانی رودخانه

55. San Juan River (En.) = Fleuve San Juan (Fr.)

56. *Ibid.*, paras. 15-16.

57. Castillo Viejo

58. *Ibid.*, para. 30.

59. *Ibid.*, para. 17.

۶۰. نخستین پیمان، پیمان حدود (Treaty of Limits (En.) = Traité de limites (Fr.)) ۱۸۵۷ بود که گرچه دو طرف، آن را امضا کرده بودند، کاستاریکا آن را تصویب نکرد و سپس، پیمانی تحت عنوان معاهده صلح (Peace Treaty (En.) = Traité de (Cañas-Martinez))، به امضای دو دولت رسید اما به تصویب هیچ یک از طرفین نرسید.

۶۱. در تحقیق حاضر، از این پس، این پیمان، با عبارت خلاصه «پیمان» یا «پیمان ۱۸۵۸» شناخته می‌شود.

۶۲. ترجمه دیوان از این عبارت، «for purposes of commerce (En.) = à des fins de commerce (Fr.)» است. لازم به ذکر است که عبارت اسپانیایی پیمان (که زبان اصلی پیمان مذکور است)، «con objetos de comercio» است که محل

سان‌خوان را تأیید کرد. متعاقباً نیکاراگوئه بر اعتبار پیمان ۱۸۵۸ خدشه وارد کرد و طرفین، موضوع را به‌واسطه رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا^{۶۳} به داوری ارجاع کردند. در رأی داوری در ۲۲ مارس سال ۱۸۸۸ میلادی اعلام شد که از یک‌سو پیمان ۱۸۵۸، از اعتبار لازم برخوردار است و از سوی دیگر، بنابر ماده ۶ این پیمان، کاستاریکا می‌تواند کشتی‌های خود را به‌منظور کسب درآمد که «با اهداف بازرگانی» فعالیت می‌کنند، به حرکت درآورد، اما لازم به ذکر است که کشتی‌های جنگی از حق کشتی‌رانی در محل نزاع برخوردار نیستند.^{۶۴}

در دهه ۱۹۸۰ میلادی، به دلیل وضع محدودیت‌های گوناگون در مورد کشتی‌رانی در رودخانه سان‌خوان توسط نیکاراگوئه، حوادث مختلفی در مورد رژیم این رودخانه بروز کرد. در ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۸ میلادی، وزیر دفاع نیکاراگوئه و وزیر امنیت عمومی کاستاریکا، اعلامیه مشترک *کوادرا-لیزانو*^{۶۵} را امضا کردند. اعلامیه مذکور به کشتی‌های انتظامی مسلح کاستاریکا به‌منظور مجهز کردن پست‌های مرزی خود، تحت شرایطی ویژه، اجازه کشتی‌رانی می‌داد اما در ادامه، در ۱۱ اوت ۱۹۹۸ میلادی، نیکاراگوئه اعلام کرد که این اعلامیه باطل و بلااثر است. در مقابل، کاستاریکا این اعلامیه یک‌جانبه نیکاراگوئه را نپذیرفت و بنابراین، هر دو طرف، بر اختلاف در مورد رژیم کشتی‌رانی در رودخانه سان‌خوان پافشاری کردند.^{۶۶}

در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۵ میلادی، کاستاریکا به علت اختلاف در مورد کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن در رودخانه سان‌خوان، دعوایی علیه نیکاراگوئه در دیوان بین‌المللی دادگستری^{۶۷} طرح کرد.^{۶۸} این کشور، صلاحیت قضایی دیوان را بر اساس بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه آن، توافقنامه *توار-کالدرا*^{۶۹} و ماده ۳۱ میثاق *بوگوتا*^{۷۰} شناسایی کرد.^{۷۱} نیکاراگوئه، به صلاحیت قضایی دیوان برای پرداختن به این قضیه اعتراضی نکرد^{۷۲} و از آنجایی که هیچ‌یک از طرفین اختلاف، قاضی از ملیت

اصلی نزاع و تفسیر ویژه دیوان از آن شد. ادعای نیکاراگوئه این بود که عبارت مذکور، معادل «with articles of trade» = *avec des marchandises de commerce* (Fr.) (En.) و به معنای حمل‌ونقل کالا است. در مقابل، کاستاریکا معتقد بود که این عبارت، معادل «à des fins de commerce» = *for purposes of commerce* (En.) است که معنای وسیع‌تری را نسبت به عبارت ادعایی نیکاراگوئه دربردارد.

63. Grover Cleveland

64. *Ibid.*, paras. 19-20.

65. Cuadra-Lizano Joint Communiqué (En.) = Communiqué Conjoint Cuadra-Lizano (Fr.)

66. *Ibid.*, paras. 24-26.

67. International Court of Justice (ICJ) (En.) = Cour internationale de justice (CIJ) (Fr.)

68. *Ibid.*, paras. 27-28

69. Tovar-Caldera Agreement (En.) = Accord Tovar-Caldera (Fr.)

70. Pact of Bogotá (En.) = Pacte de Bogotá (Fr.)

71. *Ibid.*, para. 1.

72. *Ibid.*, para. 28

خود در دیوان نداشتند، کاستاریکا آقای ترینیداد^{۷۳} و نیکاراگوئه، آقای گیوم^{۷۴} را به‌عنوان قاضی اختصاصی^{۷۵} خود برگزیدند.^{۷۶}

آنچه در قضیه حاضر به‌طور مستقیم با موضوع تفسیر تکاملی مربوط می‌شود، بحث معنا و وسعت عبارت «کشتی‌رانی آزاد... با اهداف بازرگانی»^{۷۷} است. دادگاه، تحقیقات خود را با تحلیل حق کشتی‌رانی کاستاریکا در رودخانه سان‌خوان شروع کرد. بنابر نظر دادگاه، پیمان ۱۸۵۸ برای پاسخ به مسئله محدوده حق کشتی‌رانی آزاد کاستاریکا کفایت می‌کند.^{۷۸} مقرر اصلی که حق دایمی کاستاریکا بر کشتی‌رانی آزاد را تعیین می‌کند، ماده ۶ پیمان ۱۸۵۸ است. در این خصوص، راه‌حل مسئله، مربوط به تفسیر عبارت «کشتی‌رانی آزاد... با اهداف بازرگانی» مذکور در ماده ۶ است. طرفین به شکل قابل توجهی در خصوص مفهوم و محدوده این عبارت با یکدیگر اختلاف داشتند.^{۷۹} بر اساس دیدگاه نیکاراگوئه، آزادی کشتی‌رانی مذکور در ماده ۶، صرفاً به حمل کالا به‌منظور فروش در تبادل تجاری مربوط می‌شود.^{۸۰} درمقابل، کاستاریکا استدلال می‌کرد که آزادی کشتی‌رانی مذکور، محصور در حمل‌ونقل کالا نیست، بلکه شامل حمل‌ونقل اشخاص، از جمله گردشگر نیز می‌شود.^{۸۱} دیوان برای حل این مسئله، دو اصطلاح «*con objetos*» و «*commerce*» را به‌ترتیب بررسی کرد و با بررسی قواعد عام تفسیر، بر اساس ماده ۳۱ عهدنامه حقوق معاهدات ۱۹۶۹ میلادی،^{۸۲} درنهایت به این نتیجه رسید که باید در این قضیه، عبارات اخیر

73. Antônio Cançando Trindade

74. Gilbert Guillaume

75. *Ad hoc*

76. *Ibid*, para. 4.

77. *libre navegación ... con objetos de comercio*

78. *Ibid*, para. 36.

79. *Ibid*, para. 42.

80. *Ibid*, para. 45. See also Counter-Memorial of Nicaragua, vol. I, 29 May 2007, paras. 4.1.16- 4.1.45

81. *Ibid*, para. 45. See also Memorial of Costa Rica, vol. 1, 29 August 2009, paras. 4.17- 4.72

82. Article 31 of Vienna Convention on the Law of Treaties 1969:

1. A treaty shall be interpreted in good faith in accordance with the ordinary meaning to be given to the terms of the treaty in their context and in the light of its object and purpose.

2. The context for the purpose of the interpretation of a treaty shall comprise, in addition to the text, including its preamble and annexes:

(a) any agreement relating to the treaty which was made between all the parties in connection with the conclusion of the treaty;

(b) any instrument which was made by one or more parties in connection with the conclusion of the treaty and accepted by the other parties as an instrument related to the treaty.

3. There shall be taken into account, together with the context:

(a) any subsequent agreement between the parties regarding the interpretation of the treaty or the application of its provisions;

(b) any subsequent practice in the application of the treaty which establishes the agreement of the parties regarding its interpretation;

(c) any relevant rules of international law applicable in the relations between the parties.

4. A special meaning shall be given to a term if it is established that the parties so intended.

را به ترتیب، بر اساس معنادهی صحیح عبارات و بر اساس گذر زمان و معنای امروزی آن‌ها (به شرحی که در ادامه می‌آید) تفسیر کرد.

نخست، در خصوص مفهوم عبارت «*con objetos*»، دیوان اعلام کرد که تفسیر مضیق نیکاراگوئه (که این عبارت را «*با کالاها*» یا «*با اشیاء*» معنی می‌کند) قابل پذیرش نیست زیرا چنین تفسیری، تمام گزاره‌هایی را که در ماده ۶ آمده است، بی‌معنا می‌کند. در مقابل، تفسیر کاستاریکا، معنای منسجم و کاملی به گزاره مزبور می‌بخشد. بنابراین، دیوان اعلام کرد که تفسیر کاستاریکا (که عبارت مذکور را «*با اهداف*» معنی می‌کند) در این موضوع، صحیح و پذیرفتنی است.^{۸۳}

دوم، در مورد مفهوم واژه «*commerce*»، دیوان هیچ یک از تفاسیر کاستاریکا و نیکاراگوئه را نپذیرفت. دیوان در خصوص واژه «*commerce*»، از این دیدگاه دفاع کرد که این اصطلاح باید بنابر هر مورد اعمال پیمان، معنا شود (یعنی باید مورد به مورد به قضایا نگریست). بنابراین، معنای کنونی این عبارت (نه معنای نیمه قرن نوزدهمی آن) باید بر اساس اهداف پیمان، پذیرفته شود. بر این اساس، دیوان پی برد که حق کشتی‌رانی آزاد در موضوع مورد بحث، علاوه بر حمل‌ونقل کالا، شامل حمل‌ونقل اشخاص نیز می‌شود زیرا حمل‌ونقل اشخاص نیز در جهان کنونی، ماهیتاً امری بازرگانی محسوب می‌شود.^{۸۴} در نتیجه، دیوان به اتفاق آرا اعلام کرد که کاستاریکا حق کشتی‌رانی آزاد در رودخانه *سان‌خوان* با اهداف بازرگانی، حق کشتی‌رانی با اهداف بازرگانی که شامل حمل‌ونقل اشخاص نیز می‌شود و حق کشتی‌رانی با اهداف بازرگانی را که شامل حمل‌ونقل گردشگر نیز می‌شود دارد.^{۸۵}

۲-۲. تحلیل واقعه در پرتو تفسیر تکاملی

همان طور که قبلاً ذکر شد، این قضیه از جهات گوناگونی می‌تواند مورد توجه حقوق دانان قرار گیرد. به‌عنوان نمونه، با توجه به این نکته که تعداد قضایای مطرح‌شده در دیوان بین‌المللی دادگستری، در خصوص استفاده و مدیریت آب‌ها بسیار محدود است، این قضیه می‌تواند به‌عنوان پیشینه مهم و سرنوشت‌ساز در این مورد و بخصوص در رابطه با حقوق عرفی در این موضوع محسوب شود^{۸۶} و درحالی‌که بررسی دقیق هر یک از مسائل مطرح‌شده در این رأی،

83. *Ibid*, paras. 55-56.

84. *Ibid*, paras. 57-71.

85. *Ibid*, para. 156 (1) (a) (b) (c).

۸۶. برای مطالعه مبسوط در خصوص زوایای حقوق عرفی قضیه کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن، ن. ک:

Crema, Luigi, "The 'Right Mix' and 'Ambiguities' in Particular Customs: A Few Remarks on the Navigational and Related Rights Case", in: Boschiero *et al.* (ed.), *International Courts and the*

مجال بلندی می‌طلبید، نوشتار حاضر، صرفاً به مسئله تفسیر تکاملی در آن می‌پردازد و آن، توجه ویژه دیوان به تفسیر تکاملی پیمان ۱۸۵۸ است. در این خصوص، عبارات دیوان، مستقیماً نقل می‌شود:

در جایی که طرفین در پیمان، از عباراتی نوعی^{۸۷} استفاده می‌کنند، قطعاً از این موضوع آگاه هستند که معنای عبارات در گذر زمان، تطور خواهد یافت و جایی که پیمان برای مدت طولانی یا ادامه‌دار، لازم‌الاجرا می‌شود، طرفین به‌عنوان قاعده کلی، باید فرض کنند که عبارات مذکور را در معنای تکامل‌یابنده خود قصد کرده‌اند.^{۸۸}

از نظر دیوان، قضیه حاضر (درمورد اصطلاح «comercio» در ماده ۶ پیمان ۱۸۵۸)، یکی از مصادیق اعمال قاعده فوق است^{۸۹} زیرا نخست این واژه که به یک دسته از فعالیت‌ها ارجاع

Development of International Law. Essays in Honour of Tullio Treves, Sprinter/Asser Press, The Hague, 2013, pp. 65-76.

۸۷. Generic (En.)=Générique (Fr.). توضیح این عبارت، خالی از فایده نیست: «مرجع نوعی» (Generic Reference)، مفهومی در فلسفه زبان (Philosophy of Language) است که می‌توان آن را چنین تعریف کرد: «مرجعی که برای تعیین گزاره نوعی» (Generic Proposition) به کار گرفته می‌شود» (Cruse, Alan, *A Glossary of Semantics and Pragmatics*, Edinburgh University Press, 2006, p. 73). گزاره‌های نوعی، گزاره‌ای است که مرجع آن، گروه یا شخص خاصی نیست، بلکه «طبقه‌ای از مراجع نامعین» است (Ibid., p. 195). مرجع عمومی را باید از دو مفهوم هم‌عنان، تفکیک کرد: نخست، مرجع منفرد (Singular Reference)؛ و دیگری، مرجع عام (General Reference). منظور از مرجع منفرد، یک نهاد شخصی (Individual Entity) است و منظور از مرجع عام، دسته‌ای از نهادها (Specific Set of Entities) (Ibid., p. 74). هر دوی این مفاهیم می‌توانند معین یا نامعین باشند و درحالی‌که مراجع منفرد به نهاد گروهی یا شخصی خاصی اشاره دارد، مراجع عام، چنین نیست (Linderfalk, Ulf, *On the Interpretation of Treaties: The Modern International Law as Expressed in the 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties*, Springer, 2007, pp. 75-76). به‌عنوان نمونه، عبارت «طرف‌های معاهده» (The Parties) در قسمت (ج) از بند ۳ ماده ۳۱ عهدنامه حقوق معاهدات ۱۹۶۹، گرچه در برخی تفاسیر (Richard Gardiner, *op. cit.*, pp. 259-265)، مردد (Ambiguous) تلقی شده است، در هیچ صورت، نوعی (Generic) به معنای مذکور نیست تا بتواند محمل تفسیر تکاملی قرار گیرد. بارزترین مثال برای نمونه‌های منفرد، ارجاع به اسم‌های خاص است. به‌عنوان نمونه‌ای از چنین موردی می‌توان به قضیه مرز زمینی و دریایی بین کامرون و نیجریه در دیوان بین‌المللی دادگستری اشاره کرد که در آن، طرفین اختلاف، در معاهده بین خود، به دهانه رودخانه اِبیجی (Ebeji) ارجاع دادند (Cameroon v. Nigeria (Cameroon Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria) (Cameroon v. Nigeria: Equatorial Guinea intervening), 2002, ICJ Reports, para 59). سر اعمال تفسیر تکاملی است؛ بدین معنا که در این موارد، تفسیر ایستا قابل پذیرش‌تر است. برای مطالعه مبسوط درمورد نسبت تفسیر تکاملی و اصطلاحات نوعی، ن.ک:

Palchetti, Paolo, "Interpreting 'Generic Terms': between Respect for the Parties' Original Intention and the Identification of the Ordinary Meaning" in: Boschiero et al. (eds), *International Courts and the Development of International Law*, Essays in Honor of Tullio Treves, Sprinter/Asser Press, The Hague, 2013, pp. 91-105.

88. Ibid, para. 66

89. Ibid, para. 64 and 66.

لازم به ذکر است که نیکاراگوئه تفسیر تکاملی از پیمان ۱۸۵۸ را به چالش کشیده است. در این مورد، ن.ک:

می‌دهد، اصطلاح نوعی است و دوم، پیمان ۱۸۵۸ از ابتدا به‌منظور ایجاد رژیم حقوقی باثبات برای مدت نامحدود لازم‌الاجرا شده است.^{۹۰} در انجام این کار، دیوان مقرر مذکور را بر اساس روش تکاملی تفسیر کرد. در این خصوص، لازم به ذکر است که تفسیر دیوان، مبتنی بر قصد متداول «طرفین» در زمان انعقاد پیمان است.^{۹۱}

این استدلال، به‌واسطه اهداف و مقاصد پیمان مذکور نیز (که بر «دستیابی به حل اختلاف دائمی بین طرفین اختلاف سرزمینی» دلالت می‌کرد) تقویت شد.^{۹۲} از آنچه گفته شد، دیوان این‌چنین نتیجه گرفت:

اصطلاحاتی که حق کاستاریکا مبنی بر حق کشتی‌رانی آزاد را تعیین می‌کند (از جمله، اصطلاح «comercio») باید به‌گونه‌ای معنا شود که بتواند در هر شرایطی که معاهده اعمال می‌شود، معنای محصلی داشته باشد؛ معنایی که لزوماً با معنای اولیه آن‌ها مطابقت ندارد.^{۹۳}

در توضیح عبارت اخیر باید گفت که در اکثر موارد، طرفین در متن پیمان، به‌صراحت به این مسئله نمی‌پردازند که قصد آن‌ها از اصطلاحات به‌کاررفته در متن، معنای ثابت و غیرقابل‌تغییر است یا معنای سیال و تکامل‌یابنده در طول زمان. قضیه حاضر نیز از این امر مستثنا نیست و بنابراین، دیوان، چاره‌ای جز توسل به فرض تفسیری نداشت؛ امری که دیوان به آن مبادرت کرد. نکته‌ای که در این باب وجود دارد این است که فرض مذکور، بدون پشتوانه و به‌صورت خودکار قابل استفاده نیست. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز با توجه به این امر، اعلام کرده است:

تصمیم در زمینه اعمال این موضوع نمی‌تواند به‌صرف استناد به قصد طرفین، موجه باشد. در این خصوص، مفسر باید نشانه‌های انضمامی^{۹۴} قصد طرفین را با توجه به منابع مادی مندرج در مواد ۳۱ و ۳۱ عهدنامه حقوق معاهدات (یعنی خود اصطلاحات، سیاق عبارات، اهداف و مقاصد پیمان و در صورت لزوم، توجه به کارهای مقدماتی)^{۹۵} بیابد.^{۹۶}

به عبارت دیگر، مفسر باید برای پذیرش یا رد فرض تفسیری مذکور، به امارات و نشانه‌های عینی و انضمامی موجود نظر کند تا بتواند یکی را برگزیند. در این خصوص، گفته شده است که

Presentation by Mr. Alain Pellet, CR 2009/4, paras. 3-12 and CR 2009/7, paras. 22-23.

90. Judgment, ICJ Reports 2009, paras. 66-67.

91. Judgment, ICJ Reports 2009, para. 64.

در این مورد، نظر قاضی اسکوتنیکوف (Judge Skotnikov) با نظر اکثریت تفاوت دارد. در این مورد، ن.ک:

Separate Opinion of Judge Skotnikov, *Ibid.*, para. 5.

92. Judgment, ICJ Reports 2009, para. 68.

93. Judgment, ICJ Reports 2009, paras. 70-71.

94. Concrete Evidence

95. Preparatory Works (En.) = Travaux préparatoires (Fr.)

96. Report of the International Law Commission, UN Doc. A/60/10, 2005, p. 219, para. 474.

معنای الفاظ در طول زمان، امکان تغییر دارد. بنابراین، به‌منظور تشخیص معنای واقعی، نخست باید به معنایی که اصطلاح موردنظر، در زمان به‌کاررفتن داشته، توجه شود. عبارات، هیچ ارزش ذاتی ندارد[...]. ارزش معانی آن به زمان و موقعیتی است که در آن به‌کار رفته است.^{۹۷} بنابراین، به‌طور خلاصه می‌توان گفت معنای اصطلاحات در زمان انعقاد پیمان (معنای عصری)، حداقل می‌تواند نقطه آغاز برای یافتن صحیح‌ترین روش تفسیر باشد.^{۹۸}

در ارتباط با این موضوع، دیوان برای روشن‌شدن بحث، به رأی *فلات قاره دریایی اثره* استناد می‌کند.^{۹۹} گرچه این رأی به تفسیر شرط بر پیمان مربوط می‌شود، دیوان ملاحظه کرد که مناط حکم در آن قضیه، برای تفسیر اصطلاحات پیمان نیز کاملاً قابل پذیرش است.^{۱۰۰} روی‌هم‌رفته، به نظر می‌رسد دیوان در قضیه حاضر، عنصر زمان را به نحو انعطاف‌پذیری در تفسیر پیمان ۱۸۵۸ مدنظر قرار داده است و به این گفته خود عملاً پای‌بند بوده است که «حقوق بین‌الملل نمی‌تواند با بی‌توجهی به حرکت زندگی، بیش از حد، سخت و صلب باشد».^{۱۰۱}

نکته قابل تأمل درباره سازوکار اعمال تفسیر تکاملی در قضیه حاضر این است که تفسیر تکاملی در مورد عبارات «مجهول»^{۱۰۲} به‌کار می‌رود نه در مورد عبارات «مردد»؛^{۱۰۳} با این توضیح که تفسیر تکاملی صرفاً در مواردی قابل اعمال است که معنای عبارت به‌طور کلی روشن است و صرفاً در محدوده آن تردید وجود دارد. بدین ترتیب، در عباراتی که اساساً معنای گوناگونی را دربرمی‌گیرد، نمی‌توان با این نوع تفسیر، ابهام را زدود. به عبارت دیگر، اعمال تفسیر تکاملی در فرض ابهام و ابهام در مصداق، امکان دارد، نه در فرض ابهام و ابهام در مفهوم. به‌عنوان نمونه، معنای عبارت «مجازات‌های غیرانسانی» از بُعد مفهومی روشن است اما اینکه چه مجازاتی «انسانی» و چه مجازاتی «غیرانسانی» است، با تفسیر تکاملی قابل حل است. درمقابل به‌عنوان نمونه، واژه «ملت» در زبان فارسی، ابتدائاً به معنای کیش و آیین بود^{۱۰۴} اما امروزه معنای

97. *Aegean Sea Continental Shelf (Greece v. Turkey)*, Judgment of 19 December 1978, at 63 (Judge de Castro, Dissenting Opinion).

برای دیدن تحلیل مشابه، ن.ک:

Institut de droit international, 11 August 1975, Wiesbaden resolution entitled "*Le problème intertemporel en droit international public*", available at http://www.idi-iil.org/idiF/resolutionsF/1975_wies_01_fr.pdf.

98. Jennings, Robert and Watts, Arthur, 9th Edition, *Oppenheim's International Law*, 1992, p. 1282.

99. Judgment, ICJ Reports 2009, para. 65.

100. Judgment, ICJ Reports 2009, para. 66.

101. *Gabcikovo-Nagymaros Project*, para. 16 (Judge Bedjaoui, Separate Opinion).

۱۰۲. Vague (En. & Fr.). منظور، عبارتی است که یک معنا بیشتر ندارد اما در زمان اعمال آن، ابهاماتی وجود دارد.

۱۰۳. Ambiguous (En.) = Ambiguïté (Fr.). منظور، عبارتی است که معانی مختلفی دارد و در سیاق متن، معلوم نیست

که کدام معنا مراد است.

۱۰۴. نمونه این کاربرد را می‌توان به‌وفور در متون کلاسیک فارسی یافت. به‌عنوان نمونه:

دیگری^{۱۰۵} پیدا کرده است. در مورد اخیر نمی‌توان از تفسیر تکاملی بهره جست.^{۱۰۶} بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین کارکرد تفسیر تکاملی، روشن کردن عبارات «مجهول» است، نه عبارات «مردد».

با توصیف فوق می‌توان ظرافت کار دیوان را در قضیه کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن درک کرد: در مقابل این مسئله که معنای عبارت نمادین «*con objetos*» چیست، از آنجاکه این عبارت، مردد بین چند معنا بود، دیوان خود را درگیر مسئله تفسیر تکاملی نکرد و این مسئله را از راه دیگری (یعنی توسل به معنادهی تمام گزاره‌های مربوط) حل کرد. در مقابل، هنگامی که دامنه شمول عبارت «*comercio*» مورد بحث قرار گرفت، به این دلیل که این مورد، از جمله عبارات مجهول بود که علی‌رغم روشن بودن مفهوم، در مصادیق آن، تردید وجود داشت، در این مورد، دیوان، دست به تفسیر تکاملی زد.

در خصوص تفسیر تکاملی در قضیه حاضر، گرچه شاید بتوان گفت دیوان با اعمال این روش در تفسیر، الفاظ را به صورتی فراتر از معنای خشک و خارج از سیاق اجتماعی عبارات معنا کرده است و باعث پویایی معنای عبارات شده است، در مقابل، برخی^{۱۰۷} معتقدند رأی دیوان در قضیه کشتی‌رانی، تفسیر را به شیوه‌ای کاملاً بی‌مبالات اعمال کرده است، به گونه‌ای که آن را از توجه به قصد واقعی طرفین (که مهم‌ترین هدف تفسیر است)^{۱۰۸} بازداشته است. از سوی دیگر، ماده ۳۱

که فتوت، دادن بی‌علت است

پاک‌بازی خارج هر ملت است

زان که ملت فضل جوید یا خلاص

پاک‌بازانند قربانان خاص

مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد؛ مثنوی معنوی، تصحیح: رینولد ا. نیکلسون، چاپ پنجم، هرمس، ۱۳۹۰، دفتر ششم، ص ۹۹۸.

نمونه دیگر، واژه «وطن» است که در گذشته، به هیچ وجه، معنای امروزی آن را (که تقریباً مترادف واژه کشور است) نداشت. در این مورد، ن. ک: محمدرضا شفیعی کدکنی؛ «تلقی قدما از وطن»، *القبأ*، شماره ۱۲، ۱۳۵۲، صص ۱۱-۱.

۱۰۵. واژه *ملت* در ادبیات معاصر فارسی، عموماً معادل *Nation* به کار می‌رود.

۱۰۶. برای مطالعه مبسوط در این خصوص، ن. ک:

Helmersen, Sondre Torp, *op. cit.*, pp. 142-144.

107. Dawidowicz, Martin, *op. cit.*, p. 204.

108. Judgment, ICJ Reports 2009, para. 58.

گرچه قصد طرفین به عنوان عنصر تفسیر در عهدنامه حقوق معاهدات به صراحت ذکر نشده است، نظرات کمیسیون حقوق بین‌الملل در این خصوص، به وضوح بر این امر دلالت می‌کند. به عنوان نمونه، ن. ک:

Yearbook of the International Law Commission, 1966, vol. II, n. 220.

آموزه حقوق دانان نیز بر قصد طرفین به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تفسیر معاهدات، تأکید کرده است. به عنوان نمونه، ن. ک:

(۲) عهدنامه حقوق معاهدات، چارچوبی تحلیلی برای بارکردن بهترین اثر بر این هدف و تأکید بر رویکرد متن‌محور تفسیر ارائه کرده است؛ چارچوبی که دیوان نیز تمایل خود را به آن نشان داده است،^{۱۰۹} بخصوص که از نظر دیوان، محتوای ماده مذکور، از پشتوانه حقوق بین‌الملل عرفی برخوردار است.^{۱۱۰}

در خصوص انواع تفسیر، برخی^{۱۱۱} گفته‌اند اصل بر تفسیر ایستا و عصری است و تفسیر تکاملی، استثنا است. این در حالی است که به نظر می‌رسد در تفسیر، اصل بر رجوع به قصد طرفین در وضع عبارات، فارغ از عصری یا تکاملی بودن آن است.

شایان ذکر است برخی^{۱۱۲} معتقدند تفسیر تکاملی دیوان بین‌دادگستری در قضیه کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن از عبارت «بازرگانی»، نشان‌دهنده تمایل دیوان به آزمودن اعمال ویژگی‌های مترقیانه (که اساساً در مسائل مربوط به حقوق بشر توسعه یافته‌اند) در سایر عرصه‌های حقوق بین‌الملل است، درحالی‌که برخی دیگر^{۱۱۳} به این نگرش ایراد وارد کرده و گفته‌اند تفسیر تکاملی، بخشی طبیعی از قواعد بازسازی کلاسیک تفسیر است که در موارد ۳۱ تا ۳۳ عهدنامه حقوق معاهدات درج شده است. در تأیید این ادعا، استفاده از تفسیر تکاملی در آرای مستند واقع شده است که در آن زمان، اساساً خبری از حقوق بشر موضوعه نبود.^{۱۱۴}

به‌هرحال می‌توان گفت که در هر قضیه و اختلاف بین‌المللی، قضیه کشتی‌رانی و حقوق

Brownlie, Ian, *op. cit.*, p. 631; McNair, Arnold, *op. cit.*, p. 365; Reuter, Paul, *Introduction au droit des traités*, Publications de l'institut universitaire de Genève, 3^e édition, 1995, p. 88, para. 141.

۱۰۹. دیوان در قضیه مجازبودن توسل به زور (اختلاف بین صربستان و مونته‌نگرو درمقابل بلژیک) اعلام کرد که: «تفسیر باید بیش از هر چیز به متن پیمان وفادار باشد».

Legality of Use of Force (Serbia and Montenegro v. Belgium), Preliminary Objections, Judgment of 15 December 2004, para. 100.

۱۱۰. Judgment, ICJ Reports 2009, para. 47.

تصریح به این نکته از سوی دیوان در قضیه حاضر، از این جهت اهمیت دارد که نیکاراگوئه، به عهدنامه حقوق معاهدات ۱۹۶۹ نییوسته است.

۱۱۱. Romani, Carlos, *Sovereignty and Interpretation of International Norms*, Springer, 1st ed, 2007, p. 153.

۱۱۲. Simma, Bruno, "Mainstreaming Human Rights: The Contribution of the International Court of Justice", *JIDS*, 2012, p. 20.

۱۱۳. Bjorge, Eirik, *Interpretation of Treaties*, Oxford University Press, 1st ed, 2014, p. 10.

۱۱۴. به‌عنوان نمونه، در قضیه دعوی منطقه اسپانیایی موروکو ۱۹۲۵، که درمورد حقوق بریتانیا در خصوص مکان زندگی کنسول آن کشور بود، عبارت «*Maison Convenable*» (مسکن مناسب) به‌صورت تکاملی تفسیر شد؛ بدین توضیح که معنای مسکن مناسب برای اهداف کنسولی تکامل یافته است و بنابراین، حق مسکن یک کنسول در سال ۱۹۲۵ باید به‌صورتی مناسب بر اساس شرایط کنونی مهیا شود، نه بر اساس شرایط غالب در آن روزگار. برای مطالعه مبسوط در این خصوص، ن.ک:

British Claims in the Spanish Zone of Morocco, 1925, 2 RIAA, p. 722.

مربوط به آن بین نیکاراگوئه و کاستاریکا می‌تواند نمونه‌ای مناسب برای بحث در خصوص تفسیر تکاملی معاهدات در آینده نظام حقوق بین‌الملل باشد.

نتیجه

قضیه اختلاف در خصوص کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن (اختلاف بین کاستاریکا علیه نیکاراگوئه)، یکی از مهم‌ترین آرای دیوان بین‌المللی دادگستری است. این قضیه از جهات گوناگون حائز اهمیت است: نخست اینکه این رأی، نخستین رأی دیوان است که مستقیماً و ذاتاً به مسئله حقوق رودخانه‌های بین‌المللی پرداخته است. با این توصیف، به نظر می‌رسد که ممکن بود در این قضیه، دیوان، پرداختن به مسائل حقوق عرفی در مورد رودخانه‌های بین‌المللی را مطرح کند، اما به دلایلی، به سمت و سوی دیگری رفت. از سوی دیگر، این رأی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آرا در مورد تفسیر معاهدات بین‌المللی، به‌ویژه بحث تفسیر تکاملی معاهدات به‌شمار می‌آید.

در قضیه حاضر، دیوان در مورد عبارت «*libre navegación ... con objetos de comercio*» با رد معنای ادعایی نیکاراگوئه و تأیید معنای مورد ادعای کاستاریکا اعلام کرد در خصوص مفهوم عبارت «*con objetos*»، تفسیر مضیق نیکاراگوئه (که این عبارت را «*کالاها*» یا «*بها* / *اشیاء*» معنی می‌کند) قابل پذیرش نیست زیرا چنین تفسیری، تمام گزاره‌هایی را که در ماده ۶ از پیمان مورد نظر آمده است، بی‌معنا می‌کند. در مقابل، تفسیر کاستاریکا (که عبارت مذکور را «*بها* / *اهداف*» معنی می‌کند)، معنای منسجم و کاملی به گزاره مزبور می‌بخشد. بنابراین، دیوان اعلام کرد که تفسیر کاستاریکا در این موضوع، صحیح و پذیرفتنی است. به‌علاوه، اگرچه کمیسیون حقوق بین‌الملل اعلام می‌کند که معاهدات، تجسم اراده مشترک طرفین است^{۱۱۵} و بنابراین، در امر تفسیر باید به دنبال شناسایی قصد طرفین بود،^{۱۱۶} دیوان در مورد مفهوم واژه «*commerce*»، از این دیدگاه دفاع کرد که این اصطلاح باید بنا بر هر موقعیت که پیمان در آن مورد اعمال می‌شود، معنا شود و بنابراین، معنای کنونی این عبارت (نه معنای نیمه قرن نوزدهمی آن) باید بر اساس اهداف پیمان، پذیرفته شود. بر این اساس، دیوان نتیجه گرفت که حق کشتی‌رانی آزاد در موضوع مورد بحث، علاوه بر حمل‌ونقل کالا، شامل حمل‌ونقل اشخاص نیز می‌شود زیرا حمل‌ونقل اشخاص نیز در جهان کنونی، ماهیتاً امری بازرگانی محسوب می‌شود. این در حالی است که به اذعان خود دیوان، این مفهوم در زمان انعقاد پیمان مزبور، اساساً مدنظر طرفین

115. ILC Draft Conclusions on Subsequent Agreements and Subsequent Practice in Relation to the Interpretation of Treaties 2013, ILC Report 2013, UN Doc A/68/10, p. 23.

116. *Ibid.*, p. 18.

اختلاف نبود.

لازم به توضیح است که تفسیر تکاملی در مورد عبارات «مجهول» (که مفهومی روشن است ولی مصداق‌های مبهم دارد) به کار می‌رود نه عبارات «مردد» (که اساساً مفهوم آن‌ها مبهم است) و بنابراین، دیوان در مقابل این مسئله که معنای عبارت نمادین «*con objetos*» چیست، از آنجا که این عبارت، مردد بین چند معنا بود، خود را درگیر مسئله تفسیر تکاملی نکرد و این مسئله را از راه معنادهی تمام گزاره‌های مربوط حل کرد. در مقابل، هنگامی که دامنه شمول عبارت «*comercio*» مورد بحث قرار گرفت، به این دلیل که این عبارت، از جمله عبارات مجهول بود که علی‌رغم روشن بودن مفهوم، در مصادیق آن، تردید وجود داشت، به روش تکاملی تفسیر شد.

منابع:

الف) فارسی

– کتاب

- اقبال لاهوری، محمد؛ *احیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه: احمد آرام، رسالت قلم، ۱۳۴۵.
- مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی؛ *غزلیات شمس تبریز*، با مقدمه، گزینش و تفسیر محمدرضا شفیعی کدکنی، سخن، ۱۳۸۸.
- _____؛ *مثنوی معنوی*، تصحیح: رینولد ا. نیکلسون، چاپ پنجم، هرمس، ۱۳۹۰.

– مقاله

- سیفی، سیدجمال؛ «تفسیر معاهده در زمان و قاعده حقوق میان‌دوره‌ای»، *جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم*، مجموعه مقالات هدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، شهر دانش، ۱۳۹۲.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ «تلقى قدما از وطن»، *الفتا*، شماره ۱۲، ۱۳۵۲.
- عبدی، ایوب؛ «رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه رودخانه سن‌خوان»، *سالنامه حقوق بین‌الملل و تطبیقی*، شماره ۵، ۱۳۸۸، چاپخانه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱.
- فلسفی، هدایت‌الله؛ «ماجرای تفسیر در دیوان بین‌المللی دادگستری»، *سالنامه حقوق بین‌الملل و تطبیقی*، شماره ۵، ۱۳۸۸، چاپخانه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱.

ب) انگلیسی

- Books

- Bjarne, Eirik, *Interpretation of Treaties*, Oxford University Press, 1st Edition, 2014.
- Brownlie, Ian, *Principles of Public International Law*, 7th Edition, Oxford University Press, 2008.
- Crawford, James, *Chance, Order, Change: The Course of International Law*, RCADI, 2013.
- Cruse, Alan, *A Glossary of Semantics and Pragmatics*, Edinburgh University Press, 2006.
- Fitzmaurice, Gerald, *The Law and Procedure of the International Court of Justice*, Martinus Nijhoff, 1993.
- Gardiner, Richard, *Treaty Interpretation*, Paperback Edition, Oxford

University Press, 2011.

- Jennings, Robert and Watts, Arthur, 9th Edition, *Oppenheim's International Law*, 1992.
- Letsas, George, *A Theory of Interpretation of the European Convention on Human Rights*, Oxford University Press, 2007.
- Linderfalk, Ulf, *On the Interpretation of Treaties: The Modern International Law as Expressed in the 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties*, Springer, 2007.
- McNair, Arnold, *The Law of Treaties*, Oxford University Press, 2nd Edition, 1961.
- Romani, Carlos, *Sovereignty and Interpretation of International Norms*, Springer, 1st Edition, 2007.

- Articles

- Crema, Luigi, "The 'Right Mix' and 'Ambiguities' in Particular Customs: A Few Remarks on the Navigational and Related Rights Case", in: Boschiero *et al.* (Ed.), *International Courts and the Development of International Law. Essays in Honour of Tullio Treves*, Springer/Asser Press, The Hague, 2013, pp. 65-76.
- Dawidowicz, Martin, "The Effect of the Passage of Time on the Interpretation of Treaties: Some Reflections on Costa Rica v. Nicaragua", *Leiden Journal of International Law*, vol. 24, 2011, pp. 201-222.
- Dupuy, Pierre-Marie, "Evolutionary Interpretation of Treaties: Beyond Memory and Prophecy" in Enzo Cannizzaro (ed), *The Law of Treaties Beyond the Vienna Convention*, Oxford University Press, 2011, pp. 123-137.
- Elias, Taslim, "The Doctrine of Intertemporal Law", *AJIL*, 1980.
- Fitzmaurice, Malgosia, "The Practical Working of the Law of Treaties" in Evans, Malcom, *International Law*, 3rd Edition, Oxford University Press, 2010, pp. 172-201.
- Fitzmaurice, Malgosia, "Dynamic (Evolutive) Interpretation of Treaties", *Hague Yearbook of International Law*, 2008.
- Helmersen, Sondre Torp, "Evolutive Treaty Interpretation Legality, Semantics and Distinctions", *European Journal of Legal Studies*, vol. 6, Issue 1, Spring/Summer 2013, pp. 127-148.
- Linderfalk, Ulf, "The Application of International Legal Norms over Time: The Second Branch of Intertemporal Law", *Netherlands International Law Review*, 2011, pp. 147-172.
- Palchetti, Paolo, "Interpreting 'Generic Terms': between Respect for the Parties' Original Intention and the Identification of the Ordinary Meaning" in: Boschiero *et al.* (ed.), *International Courts and the Development of International Law. Essays in Honor of Tullio Treves*,

Sprinter/Asser Press, The Hague, 2013, pp. 91-105.

- Simma, Bruno, “Mainstreaming Human Rights: The Contribution of the International Court of Justice”, *JIDS*, 2012, pp. 7-29.
- Tavernier, Paul, “Relevance of the Inter-temporal Law”, in James Crawford, Alain Pellet and Simon Olleson (eds), *The Law of International Responsibility*, Oxford University Press, 2010, pp. 397-404.
- Waldock, Humphrey, “Third Report on the Law of Treaties”, *YILC*, vol. II, 1964.

- Documents

- *ILC Draft Conclusions on Subsequent Agreements and Subsequent Practice in Relation to the Interpretation of Treaties 2013*, ILC Report 2013 UN Doc A/68/10.
- Koskeniemi, Martti, *Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law*, Report of the Study Group, Oxford University Press of the International Law Commission, UN Doc. A/CN.4/L.682, 2006.
- *Report of the International Law Commission*, UN Doc. A/60/10, 2005.
- *Report of the International Law Commission*, UN Doc. A/63/10, 2008, Annex A: *Treaties over time*.
- Statute of International Court of Justice 1945.
- Vienna Convention on the Law of Treaties 1969.
- Waldock, Humphrey, *Sixth Report on the Law of Treaties*, 1966 YILC, vol. II.

- Jurisprudence

- *Aegean Sea Continental Shelf (Greece v. Turkey)*, Judgment of 19 December 1978.
- *Asylum Case (Colombia v. Peru)*, Judgment, ICJ Reports 1950.
- *British Claims in the Spanish Zone of Morocco*, 2 RIAA, 1925.
- Counter-Memorial of Nicaragua, vol. I, 29 May 2007.
- *Dispute Regarding Navigational and Related Rights (Costa Rica v. Nicaragua)*, Judgment, I.C.J. Reports 2009.
- *Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia)*, Judgment of 25 September 1997.
- *Island of Palmas Case (Netherlands v. U.S.A.)*, United Nations, RIAA.
- *Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v. Nigeria: Equatorial Guinea Intervening)*, ICJ Reports 2002.
- *Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council*

Resolution 276, 1970, Advisory Opinion of 21 June 1971.

- *Legality of Use of Force (Serbia and Montenegro v. Belgium)*, Preliminary Objections, Judgment of 15 December 2004.
- Memorial of Costa Rica, vol. 1, 29 August 2009.
- *South West Africa (Ethiopia v. South Africa; Liberia v. South Africa)*, Second Phase, Judgment of 18 July 1966.

ج) فرانسه

- Les Ouvrages

- Reuter, Paul, *Introduction au droit des traités*, Publications de l'institut Universitaire de Genève, 3e édition, 1995.
- Nascimento Silva, Geraldo Eulalio, *Le facteur temps et les traités*, RCADI, 1977.

- Document

- Institut de droit international, 11 August 1975, Wiesbaden resolution entitled "*Le problème intertemporel en droit international public*", available at: http://www.idi-iil.org/idiF/resolutionsF/1975_wies_01_fr.pdf.

- Jurisprudence

- *Différend relatif à des droits de navigation et des droits connexes (Costa Rica c. Nicaragua)*, Arrêt, C.I.J. Recueil 2009.
- Plateau continental de la mer Egée, Arrêt, C. I. J. Recueil 1978.